



فتنه قبل از ظهور از زبان مولای متقیان علی(ع)

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، آیت‌الله سیدمحمد ضیاءآبادی از اساتید برجسته اخلاق در شهر تهران است. در ادامه پای سخنان این مفسر قرآن کریم می‌نشینیم:

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، آیت‌الله سیدمحمد ضیاءآبادی از اساتید برجسته اخلاق در شهر تهران است. در ادامه پای سخنان این مفسر قرآن کریم می‌نشینیم:

خداوند متعال، نگهبان و مهیمن عالم است و هرگز کلید هدم اساس خلقت را به دست بشر طایعی نمی‌دهد. بلکه وقتی چنین وضع و حالی پیش آمد در آن موقع است که فرمان ظهور با هرنور صادر می‌شود و حضرت نیر اعظم، نیروی معدل اقوم، ولی زمان، صاحب دوران، بزرگ فرمانده عالم امکان، امام حجه‌بن‌الحسن المهدی (عج) به اذن خدا از پرده استتار بیرون می‌آید، تکیه به دیوار کعبه داده، می‌فرماید:

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

«انا بقیة‌الله؛ البیعة لله، اسمعوا و اطیعوا»؛

«ای مردم، من بقیه‌الله و آخرین ذخیره خدا هستم، پرچم من هم پرچم بیعت با خداست، بشنوید و اطاعت کنید».

دست به سینه این عالم در حال سقوط می‌گذارد و مستقیمش می‌کند.

«ذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا»؛

آن انسان کامل، به این عالم در حال زلزال و اضطراب نهیب می‌زند که آرام باش! تنها او می‌داند که چگونه این شتر مست مهار دریده از کوره در رفته را مهارش کند و آرامش سازد.

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا»؛

فتنه قبل از ظهور از زبان مولای متقیان حضرت علی (ع)

حضرت امیر (ع) در نهج‌البلاغه شریف، ضمن بیانی درباره فتنه قبل از ظهور می‌فرماید:

«حَتَّى تَقُومَ الْحَرْبُ بَيْنَ عَلِيٍّ عَلَى سَاقٍ، بَادِيًا تَوَاجِدُهَا، مَمْلُوءَةً اخْلَافُهَا، حُلُولًا رِضَاعُهَا، عَلَقَمًا عَاقِبَتُهَا»؛

«تا اینکه جنگ، به [آیندگان از] شما رو آورد به طوری که [مانند حیوان درنده خشم‌آلود] دندان‌هایش را آشکار کند [و جدأ آماده نابود کردن همه شود] دارای پستان‌های پر از شیر [و شربت مرگ] نوشیدن شیر آن [در ابتدا به کام دست‌اندرکاران میدان جنگ] شیرین است و در آخر کار، تلخ و دردناک است».

«إِلَّا وَفِي عَدٍّ - وَسَيَأْتِي عَدٌّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ»؛

«آگاه باشید؛ آینده‌ای در کار است و به زودی آینده‌ای خواهد آمد با حوادثی که شما آنها را نمی‌شناسید [و خبر از آنها ندارید].

اما آن روز که به این حد رسید:

«يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا»؛

«حاکمی از غیر طایفه پادشاهان [یعنی، ولی الله اعظم (عج) کارگردانان جنگ را به بدی اعمالشان بازخواست می‌کند] و آنها را به کیفر اعمالشان می‌رساند».

سپس او بر عالم مسلط می‌شود:

«وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَيْدِهَا»؛

«زمین پاره‌های جگر خود را در اختیار او می‌گذارد».

«وَتَلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا»؛

«تمام کلیدهای [خزائن] خود را به آن بزرگوار تسلیم می‌کند».

«فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيِّرَةِ»؛

«پس او عدالت در روش مملکت‌داری را به شما ارائه می‌کند».

«وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّتَةِ»؛

«و قوانین متروک کتاب و سنت را زنده می‌کند».

مکرر عرض شده است آن که قرآن و سنت را می‌میراند ما هستیم! و گر نه کفار که با قرآن و سنت کاری ندارند. این ما هستیم که احياناً آیه و حدیث را مطابق با رأی خود معنا کرده و رأی خود را بر قرآن و سنت تحمیل می‌کنیم!

و لذا او که می‌آید:

«يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهَدَى إِذَا عَطَفُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى»؛

«هوای نفس را به هدایت و رستگاری برمی‌گرداند در زمانی که مردم، هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده باشند».

«وَيُعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ»؛

«و رأی را به قرآن برمی‌گرداند در زمانی که مردم، قرآن را به رأی و اندیشه خود مبدل کرده باشند».

از حضرت امام باقر (ع) منقول است:

«إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»؛

«وقتی قائم ما قیام کند، خدا دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل‌های آنها را متمرکز و کامل می‌سازد».

حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْتَظِرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ»؛

«قائم ما وقتی قیام کند، خداوند به چشم و گوش شیعیان ما آن چنان نیرو می‌دهد ... که سخن قائم را می‌شنوند و شخص او را می‌بینند در حالی که او در مکان خودش [که کنار کعبه است] قرار دارد».

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ»؛
همچنین شخصی که در مشرق است و دیگری که در مغرب است همدیگر را می‌بینند.

گذشتگان این مطلب را تعبداً قبول می‌کردند و گرنه برای آنان قابل باور نبود که یکی در مشرق و دیگری در مغرب باشد و با هم سخن بگویند و یکدیگر را ببینند و امروز برای ما یک امر عادی شده است، در صورتی که امامان (ع) از چهارده قرن قبل خبر داده‌اند که در آینده چنین خواهد شد.